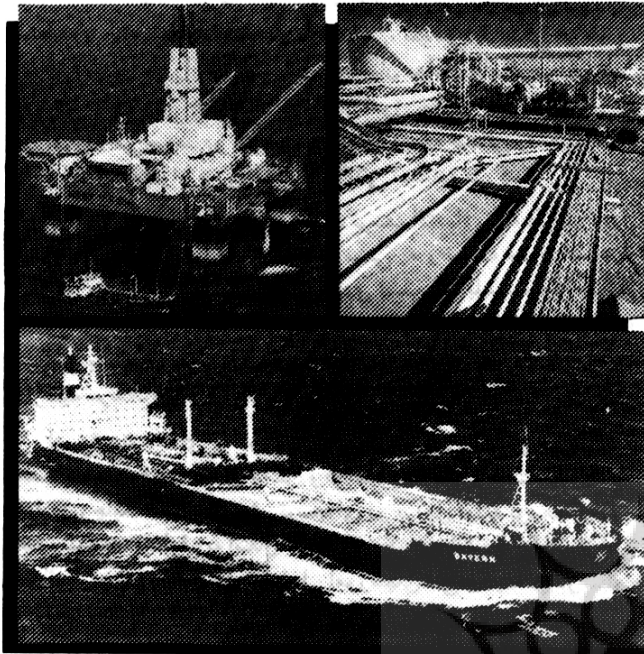


سایه مالیات انرژی بر روابط آمریکا و عربستان

نوشته: برنت حداد

ترجمه: محسن اعتمادی از دانشگاه کالیفرنیا (UCLA)



□□ «روابط آمریکا و عربستان پس از وضع مالیات انرژی» عنوان مقاله «برنت حداد» (Brent Haddad) پژوهشگر دانشگاه کالیفرنیا، شاخه «برکلی» است که در نشست سالانه انجمن مطالعات خاورمیانه، در سال ۱۹۹۳، مطرح شده است. در این تحقیق، نویسنده به تجزیه و تحلیل اثرات نظام مالیاتی در دست بررسی آمریکا برای واردات سوختهای کربنی، بر روابط این کشور با عربستان سعودی می‌پردازد. □□

در طول قرن بیستم، آمریکا و عربستان سعودی دارای منافع متقابل مهمی بوده‌اند که از طریق روابط دوستانه و با ثبات آنها تأمین شده است:

سعودی‌ها موجودیت خود را در کوران بحرانهای سیاسی خاورمیانه حفظ کرده و آمریکا تا یک چهارم نفت وارداتی خود را از عربستان وارد کرده است. اما اکنون آمریکا در حال بررسی وضع مالیات بر انرژی است تا به این وسیله علاوه بر کاستن از میزان انتشار «دی اکسید کربن» حاصل از سوختهای فسیلی در هوا، بردرآمد داخلی خود نیز بیفزاید. از آنجایی که مالیات مورد نظر موجب کاهش تقاضای داخلی برای نفت و در نتیجه قیمت جهانی این کالا خواهد شد، مقامات سعودی و اوپک مخالفت‌های شدیدی را در سالهای اخیر با این سیاست آمریکا ابراز داشته‌اند. با این حال تاکنون نه تنها دولت آمریکا بلکه هیچیک از سلفخران نفت نیز به اندازه کافی به این مخالفتها و تهدیدات توجه نکرده‌اند. سعودیها به توان خود در مقابله با این سیاست اعتماد دارند، اما در واقع در مقابله با آمریکا ناتوان هستند. به هر حال تأثیر چنین اقدامی، ضمن تیرگی روابط آمریکا و عربستان، می‌تواند پیامدهای منطقه‌ای خطرناکی را در برداشته باشد.

مالیات انرژی برای هر سوختی متناسب با میزان کربن آن تعیین شده و به سبب داشتن فواید زیر مورد علاقه آمریکا است: کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و در نتیجه گازهای «دی اکسید کربن» حاصل از آنها و بارانهای اسیدی؛ تشویق صنایع آمریکا به کسب برتری در سایر بازارهایی که ممکن است در آینده با افزایش هزینه انرژی روبرو شوند و بالاخره دستیابی دولت فدرال به منبع درآمد مکفی برای ایجاد موازنه در بودجه. با توجه به منافع یاد شده مالیات انرژی، علیرغم مخالفت کنگره با آن، مالیات مزبور ممکن است پیش از خاتمه ریاست جمهوری کلینتون مجدداً به بحث گذاشته شود.

تاریخ روابط ویژه آمریکا و عربستان سعودی

از هنگام ملاقات «ملك عبدالعزيز ابن سعود» با «روزولت» بر روی یک کشتی آمریکایی در کانال سوئز به سال ۱۹۴۵ تاکنون عربستان سعودی همواره رابطه بسیار احترام آمیزی را با آمریکا حفظ کرده است. در طول قرن بیستم، دسترسی به منابع انرژی ارزان - که بوفور در عربستان یافت می‌شود - بیوسسته مورد علاقه آمریکا بوده است. در حال حاضر عربستان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان است (یک هشتم). از طرف دیگر، عربستان آمریکا را بزرگترین مصرف کننده نفت جهان می‌داند (یک چهارم). وانگهی، نظام پادشاهی آسیب‌پذیر عربستان برای امنیت خود به آمریکا وابسته است و همواره نیازمند حمایت نظامی این کشور بوده است. نقشی که آمریکا در طول نیم قرن گذشته به خوبی ایفا کرده است. در سال ۱۹۵۰، «ترومن» در نامه‌ای به «عبدالعزیز» نوشت:

آمریکا جدا علاقمند به حفظ استقلال و تمامیت ارضی عربستان

سعودی بوده و هرگونه تهدیدی که متوجه پادشاهی شما شود از مهمترین مسایل ایالات متحده شمرده می‌شود.

تاکنون، سعودی‌ها روی حمایت آمریکا - در هر زمانی که نیاز داشته‌اند -

تعریف و فلسفه وضع مالیات انرژی

جامعه علمی جهانی در حال رسیدن به توافق نظر درباره این نکته است که گرم شدن کره زمین، تهدیدی اساسی برای سلامت آینده محیط زیست و جامعه بشری محسوب می‌شود. گرم شدن کره زمین به تراکم فزاینده گازهای گلخانه‌ای از جمله «دی اکسید کربن» در جو ارتباط داده شده است.

در سال ۱۹۹۰ مصرف نفت، به عنوان مهمترین عامل تولید «دی اکسید کربن» به شمار می‌رفت (۳۴ درصد) و پس از آن ذغال سنگ و گاز طبیعی قرار داشت. همچنین آمریکا ایجاد کننده بزرگترین بخش از «دی اکسید کربن» جهان بود (۲۵ درصد). یکی از نتایج کنفرانس محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ در ریو (Rio)، تعهد بین‌المللی مبنی بر کاهش تولید گازهای

گرمخانه‌ای برای جلوگیری یا دستکم به تعویق انداختن گرم شدن کره زمین بود. آمریکا در این کنفرانس متعهد شد تا سال ۲۰۰۰ میزان تصاعد چنین گازهایی در قلمرو خود را تا میزان سال ۱۹۹۰ کاهش دهد.

منافع آمریکا کرده‌اند و در نتیجه هرگونه اقدامی از جانب دولت آمریکا برای محدود کردن تقاضا برای نفت از طریق وضع مالیات را خلاف رسم دوستی می‌دانند. به سبب سهم عظیم آمریکا از مصرف نفت جهان، هرگونه تغییری در تقاضای آمریکا برای نفت، تأثیر بسزایی بر قیمت‌های جهانی دارد. افزایش قیمت مصرف‌کننده - با احتساب مالیات - در دراز مدت باعث کاهش تقاضا در آمریکا می‌شود و این افزایش بنوبه خود، قیمت تولیدکننده - یعنی قیمت بدون احتساب مالیات - را کاهش می‌دهد. وانگهی ممکن است سایر کشورها نیز به تقلید از آمریکا مالیاتهای انرژی جدیدی را به اجرا گذارند.

سعودیها تلاش کرده‌اند تا غرب را از وضع مالیات‌های جدید برای نفت منصرف کنند. آنها ابتدا سعی کردند با روشهای مسالمت‌آمیز به این هدف برسند. اما اندکی بعد به تهدیدات غیر مستقیم متوسل شدند. این استراتژی سعودی‌ها تاکنون از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است. اما آنان هنوز از همه امکانات خود در این زمینه سود نبرده‌اند. در ابتدای سال ۱۹۹۲، در واکنش به پیش‌نویس لایحه جامعه اروپا برای وضع مالیاتی معادل ۳ دلار برای هر بشکه نفت، «هشام ناظر»، وزیر نفت عربستان، با حالتی تهاجمی عنوان کرد که جامعه اروپا از مشکلات مربوط به محیط زیست به عنوان بهانه‌ای برای وضع مالیاتهای بی‌رویه بر نفت خلیج (فارس) استفاده می‌کند. وی اظهار داشت که مالیات کربن می‌تواند در آینده منجر به قطع جریان نفت شود و افزود: از آنجا که اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت اساساً وابسته به صدور یک کالا است، هرگونه سیاستی که موجب برهم زدن این تجارت شود، تأثیراتی بر اقدامات ما و همچنین روابطمان با شرکای تجاریمان خواهد داشت. اندکی بعد، درست پیش از کنفرانس «ریو»، مقامات سعودی گفتند که کشورشان مخالفتی با افزایش چشمگیر قیمت‌های نفت نداشته و چنانچه کشورهای صنعتی مایل به افزایش قیمت به میزان ۳ دلار در هر بشکه هستند، مالیات ضروری نیست. بلکه سعودی‌ها حاضرند خود با خوشحالی کامل پیشدستی کرده و تولید را محدود کرده و قیمت‌ها را افزایش دهند. در منطقه اقیانوس آرام نیز عربستان بطور مستقیم زاین را تحت فشار قرار داد تا مالیات کربن را رد کند.

سعودیها در دادن چنین اظهارهایی تنها نیستند. طی سمیناری پیرامون استراتژی‌های اجرای موافقتنامه‌های «ریو» که در سپتامبر ۱۹۹۳ برگزار شد، «سوبروتو» دبیرکل اوپک، مالیاتهای پیشنهادی بر انرژی را از دو جهت مورد حمله قرار داد: اول اینکه تازمانی که دلایل علمی متقن و کافی مبنی بر خطرناک بودن گرم شدن کره زمین برای محیط زیست این سیاره ارائه نشده، اوپک از اقدامات مربوط به کاهش مصرف سوختهای فسیلی حمایت نخواهد کرد و دوم این که اوپک به عنوان نماینده کشورهای فقیر در حال توسعه از بلااستفاده شدن تنها منبع اقتصادی با ارزش خود پشتیبانی نخواهد کرد.

در ارتباط با سخنان «سوبروتو» بایستی متذکر شد که علوم زیست‌شناسی و جوشناسی - که اساس اظهار جامعه علمی در مورد گرم شدن کره زمین است - به گونه‌ای پایه‌ریزی نشده است که بتواند مدارک غیر قابل تردیدی را در تأیید نظریات خود ارائه کنند. بلکه تنها نشان دهنده جریانها و همبستگی‌های میان پدیده‌ها است. حتی همه سیاستگذاران آمریکا نیز پیش‌بینی‌های مربوط به گرم شدن کره زمین را نپذیرفته‌اند. بنابراین از آنجا که سعودی‌ها و سایر اعضای اوپک به شدت تحت تأثیر روش‌های محافظه‌کارانه خود هستند، اقناع آنان در این مورد با استفاده از فرضیات علمی غرب امکان‌پذیر نیست.

دومین بخش نظر «سوبروتو» دارای یک زمینه اخلاقی است: ما اقتصادها، نظامهای حکومتی، اجتماعی، جمعیتی، و زیست محیطی و توقعات خود را در جهت برآورده کردن نیاز شما به سوخت‌های فسیلی تغییر داده‌ایم... ما طبق قواعدی که شما برای بازار بین‌المللی وضع کرده‌اید رفتار کرده‌ایم... حال چنانچه شما بطور یکجانبه قواعد مزبور را

حساب باز کرده‌اند. برای نمونه، هنگام بمباران چند شهر عربستان توسط مصر در اوایل دهه ۱۹۶۰، «کندی» جنگنده‌های آمریکایی را به کمک سعودی‌ها فرستاد. همچنین آمریکا سعودی‌ها را در مناقشات مرزی شان با بریتانیا یاری کرد. نه تنها آمریکا در خلال سالیان متمادی سعودی‌ها را به دهها میلیارد دلار سلاح مجهز کرد بلکه برستل این کشور را بطور مرتب،

چه در عربستان و چه در آمریکا آموزش داد. در پی حمله عراق به کویت، روابط نظامی ویژه آمریکا و عربستان، این دو کشور را قادر ساخت تا بطور موفقیت‌آمیزی برای پایان دادن به اشغال کویت توسط عراق با یکدیگر همکاری کنند. در طول جنگ، سعودی‌ها نه تنها نیاز سوختی نیروهای متحدین را تأمین کردند بلکه بخش بزرگی از هزینه‌های عملیات مزبور را نیز پرداختند.

عربستان سعودی هم اینک تنها قدرت مهم و دوست باقیمانده آمریکا در منطقه است. مهمتر اینکه صرف وجود حکومت‌های باثبات - خواه دوست، خواه دشمن - در منطقه به سود آمریکا بوده و خرید و انتقال نفت را ساده‌تر می‌کند. در زمینه تأمین نفت، سعودی‌ها تاکنون دوبار باعث نجات غرب شده‌اند. بار اول پس از حمله عراق به کویت بود که به محض مستولی شدن

پریشانی و وحشت در بازارهای سلفخری نفت، سعودی‌ها تولید خود را دو برابر کردند تا با جلوگیری از افزایش قیمت‌ها مانع وارد شدن زیان به اقتصاد جهانی شوند. گرچه انگیزه سعودی‌ها از این اقدام حفظ منافع خودشان بود - چرا که سلامت اقتصاد آنان وابسته به سلامت اقتصادهای صنعتی است - اما این اقدام آنان را رودرروی اغلب اعضای اوپک که توان افزایش تولید نداشته و در نتیجه راغب به افزایش قیمت‌ها بودند، قرار داد.

سعودی‌ها در اقدام مشابهی پس از حمله عراق به ایران نیز، برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها بطور یکجانبه تولید خود را افزایش دادند. در حال حاضر عربستان سعودی بزرگترین تأمین‌کننده نفت آمریکا است.

این کشور طی سال ۱۹۹۲ حدود دو میلیون بشکه نفت در روز، به آمریکا صادر کرده است که با توجه به نزدیکی دو صادرکننده عمده نفت دیگر به آمریکا، یعنی مکزیک و ونزوئلا، رقم شگفت‌آوری است. دو استدلال برای قرار گرفتن عربستان در صدر لیست واردات نفت آمریکا وجود دارد: یکی اینکه ممکن است در پی همکاری نزدیک این کشور با نیروهای متحد در جنگ خلیج فارس، یک موافقت ضمنی در مورد خرید نفت بیشتر از عربستان حاصل شده باشد و دوم اینکه، وابستگی فزاینده آمریکا به واردات نفت در نتیجه کاهش تولید داخلی موجب شده است که بزرگترین تولیدکننده نفت جهان این خلأ را پر کند.

حفظ ثبات و اعتدال قیمت نفت، مصلحت مشترک دیگری است که آمریکا و عربستان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. پایین بودن قیمت به زیان عربستان است اما بالا بودن آن نیز نه تنها در دراز مدت به سود این کشور نیست - چرا که موجب کاهش تقاضا و در نتیجه قیمت می‌شود - بلکه باعث تضعیف اقتصاد متکی به نفت آمریکا نیز خواهد شد. گواه چنین وضعی سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ بود که منجر به تخریب اقتصادهای جنوب غربی آمریکا و بحران «اندوخته و وام» شد. به منظور رساندن قیمت نفت به سطحی معتدل تر و ثابت تر، در چند مناسبت مختلف مشورت‌هایی میان دو کشور صورت گرفته است. برای نمونه، در سال ۱۹۸۶ اندکی پس از سقوط قیمت نفت، بوش معاون اول رییس جمهور آمریکا از تمام کشورهای عرب خلیج فارس بازدید و درباره مشکل پیش گفته با آنان گفتگو کرد.

اختلافات جاری در مورد مالیات انرژی

سعودیها احساس می‌کنند در طول سالیان متمادی، حمایت زیادی از

تغییر دهید، اقتصاد ما را فلج خواهید کرد... بنابراین کنار گذاشتن سوختهای فسیلی در این موقعیت، به لحاظ اخلاقی اشتباه است.

محدودیت‌های داخلی مؤثر بر واکنش عربستان

چنانچه قیمت‌های نفت به طور قابل توجهی سقوط کند و یا سوخت‌های کربنی - همان‌طور که طرفداران حفظ محیط زیستِ هوادار مالیات انرژی امیدوارند - در خلال پنجاه سال آینده کنار گذاشته شود، عربستان در عرصه داخلی با خطرات زیادی روبرو خواهد شد:

□ محدودیت‌های اقتصادی

زمانی که عربستان نقش خود را به عنوان تولید کننده تعادلی (Swing Producer) در سال‌های ۱۹۸۵-۸۶ را رها و بازار را از نفت اشباع کرد، این اقدام موجب شد تا قیمت‌های نفت به میزان قابل توجهی کاهش یابد و درآمدهای نفتی عربستان بصورت غیر منتظره‌ای به ۱۹ میلیارد دلار - یعنی چیزی کمتر از یک پنجم رکورد فروش نفت این کشور در سال ۱۹۸۱ که بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بود - برسد. علیرغم افزایش قیمت‌ها از سال ۱۹۸۷ تا کنون، عربستان اخیراً در حال تجربه موازنه حساب جاری (تجاری) منفی بوده است. در نتیجه سعودی‌ها در حال بیرون کشیدن اندوخته‌های خارجی خود هستند.

از سال ۱۹۸۲ تا کنون که عربستان بطور پیوسته با کسر بودجه سالانه روبرو است، درآمد آن نیز در حال کاهش بوده است. در خلال دو سال گذشته، عربستان ۱۵ میلیارد دلار استقراض داشته و مقدار بیشتری را نیز در آینده قرض خواهد کرد. بودجه ۱۹۹۲ هزینه‌ای معادل ۴۸ میلیارد دلار براساس درآمد تخمینی ۴۰ میلیارد دلار را در نظر گرفته بود.

انعطاف‌پذیری بودجه عربستان توسط موارد پر هزینه‌ای چون دفاع و امنیت و سوبسیدهای داخلی - که جمعاً نیمی از کل بودجه را به خود اختصاص می‌دهد - محدود شده است. دولت، سالانه میلیارد‌ها دلار صرف پرداخت سوبسید برای موارد بسیاری، از صنعت، کشاورزی، خدمات عمومی و مواد غذایی اساسی گرفته تا خدمات اجتماعی مانند بهداشت و آموزش می‌کند. قطع یا کاهش چنین امتیازاتی کار بسیار مشکلی است. برای نمونه، در مورد کشاورزی، گروه سازمان یافته‌ای از زارعین گندم کار وجود دارند که تلاش می‌کنند جلوی هرگونه کاهشی در سوبسید گندم را بگیرند. یا در مورد سوبسید کالاها و خدمات ضروری، هرگونه کاهشی ممکن است منجر به آشوب داخلی شود. در زمینه هزینه‌های مربوط به امنیت داخلی و دفاع ملی نیز به نظر نمی‌رسد دولت کوچکترین تمایلی به کاهش آنها داشته باشد.

در بعد مثبت، در خلال دو سال و نیم گذشته، از هنگام حمله عراق به کویت تا کنون، عربستان توانسته است بدون آنکه موجب تأخیری منفی بر قیمت‌ها شود، تولید نفت خود را به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش دهد. این امر باعث شد که دولت بتواند بسیاری از قروض خود را بازپرداخت کرده و مبالغ بیشتری را برای گسترش صنایع دیگر خود صرف کند. برای نمونه، عربستان در نظر دارد بزودی به بزرگترین تولید کننده ماده MTBE (methyl tertiary butyl ethers) - که برای کاهش «مونوکسید کربن» به سوخت‌ها اضافه می‌شود - تبدیل شود. چند کارخانه MTBE در حال حاضر فعال است و چند کارخانه دیگر در مرحله طراحی است. در شرایطی که بسیاری از کشورها از جمله آمریکا در شرف اجرای قوانین کنترل آلودگی با استفاده از MTBE هستند، پیشنهادی عربستان در زمینه تولید این مواد، باعث بهبود وضع اقتصادی این کشور خواهد شد.

□ محدودیت‌های سیاسی

نظام پادشاهی تحت فشار فزاینده‌ای برای اجرای اصلاحات دموکراتیک است. اما با این حال در این زمینه رویه محتاطانه و حرکت کندی را اتخاذ

آمریکا با وضع مالیات بر انرژی، افزون بر کاستن از میزان انتشار «دی اکسید کربن» در هوا، قصد بالا بردن درآمد داخلی خود را دارد.

در طول قرن بیستم، دسترسی به منابع انرژی ارزان - که به وفور در عربستان یافت می‌شود - پیوسته مورد علاقه آمریکا بوده است.

در سال ۱۹۹۲ عربستان سعودی روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به آمریکا صادر کرده که با توجه به نزدیکی دو صادر کننده عمده نفت دیگر به آمریکا، یعنی مکزیک و ونزوئلا، رقم شگفت‌آوری است.

اگر قیمت نفت به میزان بیشتری سقوط کند و یا سوخت‌های کربنی در خلال ۵۰ سال آینده، کنار گذاشته شود، عربستان با مسایل داخلی فراوانی روبرو خواهد شد.

کرده است. «ملك فهد» معتقد است که می‌تواند بی‌تحمیلی رو به افزایش مردم عربستان نسبت به حکومت مستبد خانواده سلطنتی را از طریق افزایش سوبسیدها و خدمات اجتماعی و تضمین مشاغل دولتی برای فارغ‌التحصیلان جدید دانشگاهی کاهش دهد. چنین کاری در گذشته ساده بود. اما در حال حاضر، به سبب کسر بودجه مستمر، رفته رفته مشکل‌تر می‌شود. در سال ۱۹۹۰ در حدود ۱۰۰/۰۰۰ فارغ‌التحصیل بیکار وجود داشت. همچنین طی دهه ۱۹۸۰، درآمد سرانه به میزان یک سوم کاهش پیدا کرد که این امر موجب نارضایتی وسیع در مورد شیوه اسراف آمیز زندگی خانواده سلطنتی شد.

طی دهه ۱۹۸۰، مهمترین نگرانی رژیم، بنیادگرایی اسلامی، به ویژه در استان نفتخیز الحصای شرقی بود. خانواده سلطنتی و همچنین اکثریت مردم عربستان سنی هستند و درصد کوچک اما مؤثری از جمعیت این شبه جزیره، از جمله اکثریت سکنه استان شرقی، از مذهب شیعه پیروی می‌کنند. صرفنظر از چند مورد تظاهرات جدی در اواسط دهه ۱۹۸۰، این گروه به تازگی در دسر زیادی ایجاد نکرده است. مسلمانان مخالف رژیم را بیشتر سنی‌های محافظه کار تشکیل می‌دهند که با حضور غیر مسلمانان در خاک عربستان در جریان جنگ خلیج فارس مخالف بوده و طرفدار التزام بیشتر به مقررات اسلامی هستند.

حضور تعداد زیادی از نیروهای متحدین در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ به پیدایش یک جنبش طرفدار دموکراسی و اصلاحات سیاسی کمک کرد. گرچه دولت قول تشکیل یک مجلس شورای انتصابی ۶۰ نفری را داده، اما این اقدام با انتخبات آشکاری که در کشورهای همسایه دیگری مانند کویت در حال وقوع است بسیار فاصله دارد. با این حال سانسور و مراقبت امنیتی شدید تاکنون از قدرت گرفتن گروه‌های مخالف جلوگیری کرده است.

خطرناکترین تهدید برای رژیم عربستان، ارتش این کشور به شمار می‌رود. آنگونه که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، دستکم یک طرح کودتا در هر دهه وجود داشته است. دولت پیوسته فرماندهی ارتش را از طریق دادن پاداش و افزایش هزینه‌های دفاعی و امنیت داخلی ساکت نگه می‌دارد. برای ادامه چنین رویه‌ای دولت هر اقدام ممکن را برای نگه داشتن قیمت نفت بالاتر از بشکه‌ای بیست دلار انجام می‌دهد تا بتواند درآمد بیشتری به دست آورد.

ارزش دلار به پایین‌ترین حد خود در دهه گذشته کاهش پیدا کرد. این واقعه نه تنها زیان شدیدی به درآمدهای نفتی عربستان وارد کرد بلکه موجب کاهش جدی درآمدهای این کشور از محل سرمایه‌گذاری خارجی شد. چرا که بخش بزرگی از این سرمایه‌گذاری براساس دلار انجام گرفته است. ■ (۲) استفاده از قدرت انحصاری فزاینده در تولید MTBE برای افزایش قیمت‌ها: گرچه مقداری MTBE در داخل آمریکا تولید می‌شود اما مقدار زیادی نیز بایستی در آینده از خارج وارد شود. چنانچه عربستان به بزرگترین تأمین‌کننده MTBE مورد نیاز آمریکا تبدیل شود، می‌تواند از طریق کاهش یا قطع صادرات مواد مزبور به آمریکا، نوسان شدیدی در قیمت‌ها به وجود آورد.

■ (۳) بیرون کشیدن اندوخته‌های کوتاه مدت از بانکهای آمریکایی و نقد کردن بسیاری از سرمایه‌گذارهای دیگر در این کشور: این راه پیش از آنکه عربستان به محل‌های سرمایه‌گذاری خود تنوع بخشیده و به سرمایه‌گذاری بیشتری در خارج از آمریکا بپردازد مؤثرتر بود. با این حال هنوز هم بی‌تأثیر نیست.

■ (۴) کاهش واردات از آمریکا: پس از جنگ خلیج فارس سعودی‌ها خرید کالا و خدمات، از جمله ابزار و خدمات نظامی، از آمریکا را افزایش دادند. در سال ۱۹۹۱ آنان حدود ۷ میلیارد دلار کالا و خدمات از آمریکا وارد کردند. این رقم در سال ۱۹۹۲، همراه با افزایش خریدهای تسلیحاتی عربستان از آمریکا، به طور چشمگیری بیشتر شد. اکنون آمریکا بار دیگر بزرگترین شریک بازرگانی عربستان سعودی است. موقعیتی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ از آن ژاپنی‌ها بود. روند جدید مرهون همکاری نزدیک دو کشور در خلال جنگ خلیج فارس است. اما اگر سعودیها بخواهند، می‌توانند به راحتی برای خرید کالاهای مصرفی خود به ژاپنی‌ها مراجعه کرده و تسلیحاتشان را نیز از بریتانیا یا فرانسه خریداری کنند.

□ نتیجه‌گیری

گرچه قدرت ناچیز عربستان در عملی کردن تهدیدات اقتصادی خود برای آمریکا نگران‌کننده نیست، اما از آنجا که این کشور همچنان از اهمیت ژئواستراتژیک ویژه‌ای برای آمریکا برخوردار است، صلاح نیست سیاستگذاران آمریکایی اثرات احتمالی وضع مالیات بر انرژی روی روابط دو کشور را نادیده بگیرند. مالیات بر انرژی می‌تواند رژیم سعودی را بی‌ثبات کرده و در نتیجه، تولید و صدور نفت از منطقه را به خطر بیندازد. آمریکا می‌تواند با اتخاذ یک رویه محتاطانه و حفظ روابط احترام‌آمیز با سعودی‌ها، از انجام اقدامات تلافی‌جویانه توسط آنان جلوگیری کند. مقامات آمریکایی می‌توانند این نکته را به سعودی‌ها بقبولانند که از بین تمام راه‌ها برای کاهش روند گرم شدن زمین، وضع مالیات بر انرژی کمترین اثر را بر اقتصاد آنان خواهد داشت. مالیات مورد نظر نه تنها با مالیات ۵۰ سنت برای هر گالن که «راس پرو» در مبارزات انتخاباتی خود در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد کرد، تفاوت بسیار دارد، بلکه مالیاتی داخلی است و نه عوارضی بر واردات نفت که می‌تواند زیان بیشتری برای سعودی‌ها به دنبال داشته باشد. وانگهی، با توجه به اینکه هرگونه مالیاتی بر انرژی در آینده نباید قیمت هر گالن بنزین را تا بیش از ۱۰ سنت افزایش دهد، امکان کاهش چشمگیر در تقاضا برای نفت عربستان در حدی که سعودی‌ها در ابتدا نگران آن بودند وجود ندارد.

از سوی دیگر، از آنجا که سرنگونی رژیم عربستان در کوران آشوبهای داخلی این کشور به مصلحت آمریکا نیست، برای جلوگیری از وقوع چنین امری، آمریکا بایستی رژیم را ترغیب کند تا با اجرای تدریجی اصلاحات، فشار داخلی را پراکنده سازد. این اصلاحات در گام اول می‌تواند از تشکیل مجلس شورا آغاز شود و سپس با ایجاد مرحله‌ای نوعی نظام نمایندگی در چند سال آینده ادامه یابد.

در حال حاضر میانگین تولید روزانه عربستان از هر دو کشور آمریکا و شوروی سابق بیشتر است. شرکت سعودی آرامکو بزرگترین شرکت نفتی در جهان به شمار می‌رود. این کشور همچنین به عنوان پرنفوذترین عضو اوپک، یک سوم کل تولید نفت خام این سازمان و دو برابر دومین تولیدکننده بزرگ یعنی ایران را به خود اختصاص داده است. بنابراین کنترل عربستان بر تولید نفت جهان به اندازه‌ای است که این کشور را قادر ساخته تا در بازارهای جهانی قیمت‌ساز باشد. نمونه چنین نمایش قدرتی بوضوح در اواخر سال ۱۹۸۵ که عربستان قیمت را به طور یکجانبه به کمتر از بشکه‌ای ۱۰ دلار کاهش داد، مشاهده شد.

آنچه در سالهای اخیر تا حد زیادی موجب افزایش سهم عربستان در تولید جهانی شده، کاهش تولید نفت توسط آمریکا و شوروی سابق است. سهم آمریکا در تولید جهانی از ۱۷٪ در سال ۱۹۸۶ به کمتر از ۱۱٪ در حال حاضر کاهش یافته است. این کاهش معلول علت‌های زیادی است: اول اینکه ذخیره بسیاری از چاه‌هایی که استخراج نفت از آنها مستلزم تکنولوژی ارزان‌تری است، رو به اتمام است. استخراج نفت از چاه‌های باقیمانده نیز مستلزم تکنولوژی گران است که استفاده از آن اصلاً مقرون به صرفه نیست. همچنین به سبب محدودیت‌های جدید برای اکتشاف نفت در پناهگاه ملی وحوش در قطب شمال و در مناطق فلات قاره‌ای، امکان اکتشاف کمتری وجود دارد. دلیل دیگر، وضع مقررات سخت‌تر در رابطه با سوخت تمیزتر، استفاده از نفتکش‌های دو لایه و غیره است که هزینه‌های تولید و توزیع را افزایش داده و باعث کاهش تولید می‌شود. مالیات انرژی این فشار را باز هم بیشتر خواهد کرد.

در عین کاهش تولید، تقاضا برای فرآورده‌های نفتی در آمریکا در حال افزایش است و به موازات بهبود وضع اقتصادی کشور، افزایش بیشتری نیز می‌یابد. در پی کاهش مستمر مصرف نفت پس از افزایش قیمت آن در سالهای ۷۴-۱۹۷۳، از هنگام سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ تاکنون، تقاضا در حال افزایش بوده است. هرچه نفت ارزانتر شد، تعداد بیشتری از آمریکایی‌ها خودروهای بزرگتر خریدند. آمریکا هنوز سالها با استفاده وسیع از وسایل حمل و نقل غیر نفت‌سوز فاصله دارد.

راه‌های برخورد از دید عربستان و میزان کارایی آن

شیوه‌هایی که ممکن است عربستان در مقابله با وضع مالیات انرژی به آنها متوسل شود و میزان کارایی آنها عبارت است از:

■ (۱) قیمت‌گذاری نفت براساس ارزی غیر از دلار: قیمت نفت در حال حاضر براساس دلار تعیین می‌شود. این امر مزایایی برای آمریکا در بردارد. از جمله این که موجب کاهش نوسان در قیمت نفت برای این کشور و در نتیجه، حفظ ثبات اقتصاد آن می‌شود. چنانچه عربستان بتواند سایر اعضای اوپک را متقاعد به استفاده از ارزی غیر از دلار یا یک سبد ارزی، در تعیین قیمت نفت خود کند، در این صورت نوسان در نرخهای برابری ارزشها باعث نوسان جدیدی در قیمت نفت برای مصرف‌کنندگان آمریکایی خواهد شد.

تاکنون سعودی‌ها از قیمت‌گذاری نفتشان براساس دلار، هم بهره برده‌اند و هم زیان. به ویژه با در نظر گرفتن این امر که آنها نرخ پول خود یعنی ریال را به طور غیر رسمی براساس دلار تعیین می‌کنند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ که قیمت نفت در سطح بالایی بود، بر ارزش دلار نیز در مقایسه با سایر ارزها افزوده می‌شد و این امر به بالا رفتن قدرت خرید عربستان می‌انجامید، اما در پی سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ که منجر به سقوط جدی ارزش دلار شد، وضع کاملاً معکوس شده و درآمد حقیقی عربستان از محل فروش نفت و همچنین قدرت خرید این کشور کاهش بیشتری پیدا کرد. مشابه همین حالت در نیمه اول سال ۱۹۹۲ یعنی زمانی اتفاق افتاد که